

سیاست جنایی تقنینی ایران در رابطه با نقش پلیس در کشف جرائم اقتصادی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۵

از صفحه ۹۵ تا ۱۱۲

سید عباس تقوی^۱، صادق سلیمی^۲، علیرضا جمشیدی^۳

چکیده

زمینه و هدف: اغلب کشورها، سیاست‌های مشخصی را برای مبارزه با جرائم اقتصادی در نظر گرفته‌اند که سیاست جنایی تقنینی بخشی از این سیاست‌هاست و پلیس به عنوان یکی از نهادهای عدالت کیفری، طبق قانون در حوزه کشف جرائم اقتصادی نقش ایفا می‌کند. در همین راستا، تحقیق حاضر با هدف شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های قانونی پلیس در کشف جرائم اقتصادی و شناسایی چالش‌های تقنینی در زمینه مبارزه با این جرائم انجام شده است.

روش: تحقیق حاضر از نوع کیفی و به لحاظ روش اجرا، توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مربوط به شیوه اسنادی و با واکاوی دقیق قوانین، مقررات، اسناد موجود و بررسی نظریه‌های حقوق دانان و جرم‌شناسان صاحب‌نظر جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد سیاست جنایی تقنینی ایران شامل قوانین، آیین‌نامه‌های لازم‌الاجرا و سایر اسناد موجود الزام‌آور، درباره به کارگیری ضابطان ویژه به خصوص پلیس‌های تخصص محور ساکت بوده و این سکوت مشکلات و آسیب‌هایی در روند مبارزه با جرائم اقتصادی ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به شواهد موجود از جمله دادگاه‌های ویژه، روند مبارزه با جرائم مورد بحث به سمت افتراقی‌سازی حرکت کرده که مبتنی بر سرعت، دقت و جدیت است. در این میان، خلأهای قانونی موجب می‌شود تا واکنش‌های پلیس در زمینه کشف با دشواری همراه شده و رفع آسیب‌های شناسایی شده در این پژوهش می‌تواند موجب ارتقای عملکرد پلیس شود.

کلید واژه‌ها: سیاست جنایی تقنینی، جرائم اقتصادی، دادرسی افتراقی، پلیس تخصصی، کشف، تحصیل دلیل.

استناد: تقوی، سیدعباس؛ سلیمی، صادق و جمشیدی، علیرضا (پاییز ۱۳۹۸). سیاست جنایی تقنینی ایران در رابطه با نقش پلیس در کشف جرائم اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۴(۵۵). صص ۹۵-۱۱۲.

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، alitaghavi0071372@yahoo.com

۲. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، نویسنده مسئول: sadegsalimi@yahoo.com

۳. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، jamshydy@gmail.com

مقدمه

امروزه جرائم اقتصادی از دغدغه‌های مهم در تمامی کشورهای جهان و از جمله در جمهوری اسلامی ایران است. علی‌رغم تلاش شبانه‌روزی پلیس و سایر سازمان‌های مرتبط، جرائم اقتصادی در کشور تداوم داشته و طرح یا کشف پرونده‌های کلان با سرفصل مذکور گواه این مطلب است که پیشرفت چشمگیر در استفاده از آخرین فناوری‌های روز دنیا توسط بزهکاران اقتصادی، سرریز اغلب درآمدهای نامشروع به گروه‌های تروریستی و تقویت آن‌ها و اداره سازمان‌یافته و فراملی جرائم مذکور، حل این مشکل را دوچندان کرده است.

جرائم اقتصادی اثرات منفی کوتاه و بلندمدتی را در بطن و ارکان جامعه می‌گذارد که حساسیت مبارزه با آن را مضاعف می‌کند. سلب اعتماد عمومی و کاهش سرمایه اجتماعی دولت‌ها، فساد در رده‌های مختلف حاکمیت و تسبیب در رکود یا نابودی زیرساخت‌های مولد از عمده تأثیرات بارز جرائم اقتصادی است. یکی از نیازهای جهانی و ملی برای مبارزه جدی و کارآمد با جرائم اقتصادی، وجود پلیس تخصصی، حرفه‌ای و به‌روز در این چهارچوب است که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز مانند پلیس سایر کشورها به این موضوع توجه ویژه داشته و به خطر جرائم اقتصادی آگاه است. از طرفی، در زمان انجام پژوهش حاضر، روند واکنش به جرائم اقتصادی در ایران به لحاظ تدابیر مسئولان به‌ویژه مقام معظم رهبری، رویکرد افتراقی‌سازی به خود گرفته است. علت انتخاب این شکل از دادرسی، سرعت، دقت و جدیت در مبارزه با جرائم اقتصادی است؛ تشکیل مجتمع ویژه جرائم اقتصادی، تشکیل دادگاه‌های ویژه، آیین دادرسی ویژه در رسیدگی به جرائم اقتصادی و دستور تشکیل شوراهای ویژه، دلیلی واضح بر این ادعا است. بدون تردید، نیروی انتظامی یکی از ارکان مهم این سیاست جنایی افتراقی است. عملکرد موفق پلیس در این راستا، علاوه بر توان فنی و علمی، نیازمند یک سیاست جنایی تقنینی شفاف و غیر متورم با رویکرد حمایتی از پلیس است.

در قوانین و مقررات حوزه جرائم اقتصادی مانند قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب سال ۱۳۹۷، آیین‌نامه تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران صادره از سوی ریاست قوه قضائیه در سال ۱۳۹۸ و غیره، همواره به وظایف ضابطان و به ویژه نیروی انتظامی اشاره شده است، اما بحثی از ضابطان تخصصی وجود ندارد. لذا ضروری است تا جایگاه پلیس تخصص‌محور در زمینه کشف جرائم اقتصادی

به عنوان بخشی از واکنش علیه جرم) به دقت تبیین و ابهامات و خلأها شناسایی شود. بنابراین، در این پژوهش در نظر است تا با بررسی متون قانونی و مقررات مربوط مانند آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و غیره به سئوال‌های زیر پاسخ داده شود:

- آیا در کنار تأکید در به‌کارگیری مقامات قضایی متخصص در رسیدگی به جرائم اقتصادی، به ضابطان ویژه مانند پلیس امنیت اقتصادی نیز اشاره شده است؟

- با توجه به ویژگی‌های جرم و مجرمان اقتصادی، تدابیر قانونی خاصی در راستای عملکرد پلیس در کشف این جرائم اندیشیده شده است؟

- کاستی‌های سیاست جنایی تقنینی ایران در این باره چه بوده و راه حل برون‌رفت از آن چیست؟

در رابطه با نقش پلیس در کشف جرائم اقتصادی در سیاست جنایی تقنینی ایران، تحقیق و پژوهشی مستقلی صورت نگرفته است، اما در زمینه مبارزه با جرائم اقتصادی توسط پلیس و ضرورت آن پژوهش‌های مختصری انجام شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. زمانی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی کارکرد هم‌افزایی قوت‌ها و فرصت‌های مدیریت مبارزه با جرائم اقتصادی در خنثی‌سازی تهدیدهای مرتبط»، ضمن بیان عوامل محیطی مدیریت مبارزه با جرائم اقتصادی، اذعان می‌دارد مبارزه با جرائم مذکور نیاز به اعمال مدیریتی هوشمند و کارآمد در بستر فرآیندی راهبردی دارد. همچنین، دعاگویان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی پلیس اقتصادی کشورهای مدل؛ تدوین الگویی برای پلیس اقتصادی ایران»، ساختار پلیس برای مبارزه با جرائم اقتصادی را نامناسب دانسته و در این زمینه به بیان علل موفقیت پلیس کشورهای موفق درباره جرائم مورد بحث پرداخته است. اعظمی مقدم (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت‌های ورود ناجا به مبارزه با جرائم اقتصادی»، اهمیت مقابله با جرائم اقتصادی را مدنظر قرار داده و پیامدهای آن را بیان کرده است. وی ضمن بیان ضرورت ورود ناجا و فرآیند مبارزه، اشعار می‌دارد: در حال حاضر در کشور ما به علت کمی سابقه مبارزه با جرائم اقتصادی و ناآشنایی متولیان امر با پیچیدگی‌ها و جزئیات آن، تاکنون اقدام علمی و متناسبی برای تعیین ساختار مناسب، سازمان متولی و شیوه و فرآیند پی‌جویی جرائم اقتصادی به عمل نیامده است.

وفادار و بهرامی (۱۳۹۵) در پژوهشی با موضوع «چالش‌های مبارزه با جرائم اقتصادی و راهکارهای پیشنهادی»، به بیان رابطه چهار متغیر خلأهای قانونی، عدم تعامل و

همکاری بین سازمان‌های متولی، فقدان ساختار مشخص و مناسب و تعدد سازمان‌های متولی مبارزه با جرائم اقتصادی می‌پردازد و راهکارهای پیشنهادی خود را ارائه داده‌اند. کوشا و دهقانی سانچ (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیاست جنایی در جرائم اقتصادی»، موضع علم سیاست جنایی را در رابطه با جرائم اقتصادی تبیین می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در سراسر دنیا، دولت‌ها درصدد شناسایی علل و عوامل واقعی وقوع جرائم اقتصادی بوده تا با وضع مقرراتی در این زمینه، به حمایت از نظم و امنیت اقتصادی برخیزند. جرائم اقتصادی ارتباط تنگاتنگ با نوع سیاست جنایی حاکم و نوع آن دارد؛ چنانکه اشکال بزهکاری مرتبط با چرخه‌های مختلف نظام اقتصادی (تولید، توزیع، حمل و نقل و غیره) و فضای کسب و کار براساس نوع نظام سیاسی - اقتصادی حاکم تغییر پیدا می‌کند. همچنین، ملازمیان (۱۳۸۷) در کتابی با موضوع «سیاست جنایی تقنینی ایران در جرائم اقتصادی، با بررسی محتوای عنوان موصوف، مشخص کرده است که در تمام موارد، مباحث سیاست جنایی تقنینی درباره جایگاه پلیس در کشف جرائم اقتصادی به نحو عام بوده و دیدگاه خاص به پلیس ویژه و متخصص در این زمینه مغفول مانده است. نوآوری این نوشتار، نگاه تخصصی و تقنینی به عملکرد و لوازم قانونی پلیس در کشف جرائم اقتصادی و شناسایی آسیب‌های وارده در روند کشف جرم به دلیل خلأهای قانونی است.

مفهوم سیاست جنایی: واژه «سیاست جنایی»^۱ معادل «La politique pénale» به زبان فرانسه است که از لحاظ لغت‌شناسی در زبان فارسی، سیاست به معنای ریاست و در مفهوم تصدی برای حفظ مصالح مردم بوده و جنایت نیز که واژه اصالتاً عربی است، در معنای گناه کردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۶۹) و جرم آمده است. معمولاً مفهوم سیاست جنایی را در نگاه مضیق و موسع مورد توضیح قرار می‌گیرد. در مفهوم مضیق می‌توان به تعریف بنیان‌گذار این واژه پرداخت؛ به عقیده فوئر باخ، سیاست جنایی، مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه که دولت با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (نجفی توانا، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰). در نگاه کلان، سیاست جنایی گستره‌ای از تدابیر توسعه محور است که به صورتی مستقیم یا غیرمستقیم کنش‌ها و واکنش‌های ماقبل پیشگیری، پیشگیرانه یا سزادهنده را از سوی پیکره اجتماع، در رویارویی با پدیده بزهکاری

1. Criminal policy

سامان‌دهی می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۰ ص ۲۱). سیاست جنایی در تقسیم‌بندی‌های خاصی مورد توضیح و بحث قرار گرفته که از آن جمله می‌توان از سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی نام برد. منظور از سیاست جنایی تقنینی، فعالیت مقنن و مقررات و اصولی است که در قوانین عادی با الهام از قانون اساسی توسط مقنن پیش‌بینی می‌شود. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را در برمی‌گیرد که در قانون متجلی شده و ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی معیار و مبنای انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه است (نجفی توانا و حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴).

مفهوم جرم اقتصادی: جرم اقتصادی در متون حقوق کیفری ایران از جمله قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹، قانون مجازات اسلامی کتاب تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب سال ۱۳۹۷ و غیره فاقد تعریف است و قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ برای اولین بار از عبارت «جرائم اقتصادی» استفاده و مصادیق این جرائم را در ماده ۳۶ و ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بیان کرده که شامل کلاهبرداری، رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پولشویی اخلاف در نظام اقتصادی کشور و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی است. دکتترین حقوقی در ایران بر مبنای بستر ارتکاب جرم، آثار جرم و غیره، نسبت به تعریف جرم اقتصادی اقدام کرده‌اند. از یک نگاه، جرم اقتصادی به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که نوعاً با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی ارتکاب یافته و نتیجه بالقوه یا بالفعل آن اخلاف در نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی، گمرکی، مالیاتی، بانکی، حمل و نقل، حقوق مصرف‌کننده و غیره) است (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۴). همچنین، جرائم اقتصادی به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی در بستر نظام اقتصادی و علیه آن ارتکاب می‌یابد و در نتیجه، موجب اخلاف در چرخه نظام و فعالیت‌های اقتصادی می‌شود (مه‌دوی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۳۹).

تحصیل دلیل: تحصیل دلیل علیه متهم به جرم، یکی از مراحل مهم در تحقیقات

مقدماتی است. تحصیل دلیل عبارت است از جمع‌آوری ادله و آماراتی که در یک پرونده یا موضوع تحقیقاتی از سوی مقامات صلاحیت‌دار مانند ضابطان جمع‌آوری می‌شود. دلایل گردآوری شده علیه یک متهم توسط پلیس، زمانی قابل ارائه در دادگاه است که اولاً از راه‌های قانونی تحصیل شده باشد؛ به عنوان مثال، اقرار در نتیجهٔ اکراه و تلقین قابل ترتیب اثر نیست. علاوه بر مشروع و قانونی بودن دلیل جهت ارائه به دادرس، طریق تحصیل آن نیز باید به نحو شرعی و مطابق با قانون باشد. مهم‌ترین دلیل در اثبات یک امر به خصوص واقعهٔ مجرمانه چنانچه در تحصیل آن ضوابط قانونی و شرایط مقرر نادیده گرفته شده باشد، فاقد اعتبار است (حشمتی، ۱۳۹۳، ص ۶۵). ثانیاً، قابل استناد و عرضه باشد؛ به عنوان مثال، کالای قاچاقی که متهم به آن اقرار کرده است، اما اثری از آن کشف نشود، به راحتی قابل انکار است. با توجه به حرفه‌ای بودن اکثر بزهداران اقتصادی، پلیس می‌بایست روش‌های کسب ادلهٔ علمی را فرا گرفته و اقدامات خود را جهت اقتناع قاضی به صورت مبسوط و عینی ارائه دهد. «ادلهٔ علمی به دلیل علمی و تجربی بودن از درجهٔ خطاپذیری کمتری نسبت به ادلهٔ سنتی برخوردار می‌باشند و دستگاه عدالت کیفری که به دنبال تحقق عدالت و دادرسی منصفانه است، نمی‌تواند از این شیوه‌های علمی غافل بماند» (گلدوست جویباری، ۱۳۹۶، ص ۲۰۸).

دادرسی افتراقی: دادرسی اعم از مرحلهٔ تحقیق و رسیدگی، یک واکنش علیه جرم محسوب می‌شود و آیین رسیدگی بر روند آن حاکم است. رویکرد یکپارچه‌سازی آیین دادرسی کیفری از دیرباز مورد توجه قانون‌گذاران کشورهای مختلف قرار گرفته است و بر این اساس، به سمت اصول‌مندی و استوار شدن بر موازین فراگیر که اسباب یکپارچه کردن این عرصه را فراهم آورده‌اند، گام برداشته است. در ایران نیز تعدادی از اصول قانون اساسی یا موادی از قوانین عادی به این اصول چارچوب‌ساز اختصاص یافته است؛ برای نمونه می‌توان به اصول سی و دوم تا سی و نهم قانون اساسی و مواد ۲ تا ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/۱۲/۹۲ اشاره کرد. اما این رویکرد، مطلق نیست و با گذشت زمان و شکل‌گیری تحولات گستردهٔ اقتصادی و اجتماعی، پیدایش و توسعهٔ جرم‌شناسی و ضرورت‌های جامعه، دستخوش تغییراتی شده است. چنانکه در دههٔ ۱۹۸۰، پایه‌های تغییر این رویکرد و راهبرد و گرایش یافتن به سوی افتراقی‌سازی و طبقه‌بندی کردن سیاست جنایی از جمله ناظر بر آیین دادرسی کیفری پی‌ریزی شد؛ چراکه پیدایش جرم‌های نویافته و متنوع شدن سیاههٔ رفتارهای مجرمانه، بزهداران و بزهدیدگان از

واقعیت‌های بنیادی است که باید در فرآیند پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی به شماری از آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب، گذر از سیاست جنایی و آیین دادرسی کیفری افتراقی برای افزایش دقت در سیاست‌گذاری جنایی و عادلانه و اثربخش کردن رسیدگی‌ها صورت پذیرفته است. نگارش دستورالعمل «تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران» و «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران اقتصادی» از نمونه‌های بارز در فرآیند افتراقی‌سازی درباره رسیدگی به جرائم اقتصادی است.

پلیس و مواجهه با جرائم اقتصادی: در تمامی ابعاد سیاست جنایی تقنینی ایران و سایر کشورها، پلیس بازوی اجرایی و یکی از ارکان مهم واکنش به جرم است. در سازمان پلیس ایران در حوزه تخصصی مبارزه با جرائم اقتصادی، حدود ۱۵ سال پیش اداره‌ای در پلیس آگاهی با عنوان «اداره مبارزه با جرائم اقتصادی» تشکیل و به تدریج توسعه یافت. کارکنان این نهاد معمولاً آموزش‌های عمومی پلیس و تخصصی ورود به پلیس آگاهی را با رسته آگاهی دیده و سپس مشغول به کار می‌شدند. در طول انجام امور نیز آموزش‌های ضمن خدمت مرتبط با حوزه وظایف خود را می‌گذراندند. در حال حاضر، پلیس امنیت اقتصادی در نیروی انتظامی با صلاحیت رسیدگی به جرائم اقتصادی تشکیل و نیاز است تا هرچه سریع‌تر نسبت به گسترش آن در سطح کشور اقدام شود. بنابر اعلام سخنگوی ناجا در تاریخ نهم مرداد ۱۳۹۸، «قاچاق کالا و ارز، جرائم پولی و بانکی، جرائم حوزه بورس، جرائم مالیاتی، جرائم پولشویی، تسهیلات غیرمجاز بانکی، زمین‌خواری و غیره در اولویت رسیدگی این پلیس قرار دارد». این پلیس از سه اداره مهم مبارزه با جرائم اقتصادی، قاچاق کالا و پلیس گمرکات تشکیل شده است. استفاده حداکثری از امکانات علمی و به‌روز از نیازهای اولیه این پلیس است.

استفاده قانونی از دستگاه‌ها و امکانات نوین کشف جرم مثل دستگاه‌های دروغ‌سنج و نظریه‌های روان‌شناسی در مورد میزان صداقت افراد در مقابل اسلحه حیل و عملیات پنهان‌کاری و برنامه‌ریزی خاص مجرمان اقتصادی می‌تواند مثر ثمر باشد؛ چراکه بزهکاران اقتصادی به واسطه موقعیت بالای اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی یا ارتباط با افراد دارای این موقعیت‌ها و دارا بودن قدرت و نفوذ، به راحتی می‌توانند آثار و دلایل جرم را مخفی یا محو و نابود سازند یا از طریق تبانی با شهود یا کارشناسان و نظایر آن، جریان تعقیب و تحقیق را از مسیر عادلانه خود منحرف کنند (شیدائیان و شریفی، ۱۳۹۶،

ص ۸۰). تقویت بنیه علمی - قضایی برای جمع‌آوری مشروع و مفید دلایل و امارات مورد قبول مقامات قضایی و تبادل اطلاعات برون‌مرزی از جمله مسائلی است که می‌بایست در برنامه‌ریزی‌های کلان و از سویی در اقدامات در دست اقدام دیده شود. «کشف و اثبات به هنگام و مفید جرائم اقتصادی نیازمند وجود ضابطان خاص و آموزش دیده در کنار ضابطان عام مانند مأموران گمرگ است (مقیمی، ۱۳۹۶ ص ۷۰).

اصول و مبانی قانونی حاکم بر کشف جرائم اقتصادی توسط پلیس: اقدامات پلیس درباره کشف جرائم اقتصادی از زمان وقوع تا معرفی جهت رسیدگی معمولاً شامل شناسایی، اخذ اذن مقامات قضایی، تحصیل دلیل و دستگیری بزه‌کار است. در این مراحل، رعایت اصولی از جمله اصل دقت، اصل صحت، اصل شفافیت، اصل لزوم مقررات قانونی در تحصیل دلیل و غیره الزامی است. در مرحله شناسایی، پلیس اقدامات محسوس و نامحسوس را انجام و نتیجه را در جرائم غیرمشهود به مقام قضایی گزارش کرده و منتظر تعیین تکلیف می‌مانند. هرگونه اقدام شتاب‌زده و هیجانی در این مرحله می‌تواند برای مأموران پلیس مسئولیت ایجاد کند. در جرائم مشهود اقتصادی نظیر کشف کالای قاچاق، این مسئله متفاوت است و می‌بایست متهم بلافاصله دستگیر شود. رعایت حقوق متهم مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان اصول دادرسی منصفانه و حفظ دقیق ادله از مهم‌ترین وظایف ضابطان در این خصوص است.

تحصیل یا جمع‌آوری ادله، فرآیندی است که در قانون به موجب ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به بازپرس واگذار شده و ایشان می‌تواند برخی از تحقیقات را به ضابطان واگذار کند. این ماده اشعار می‌دارد: «بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیر جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آن‌ها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند». روند واگذاری به شرح فوق و خصوصاً تحصیل دلیل از سوی ضابطان، رویه قضایی جاری در تحقیقات مقدماتی است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی و به لحاظ روش اجرا، توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، با تحلیل سیاست جنایی تقنینی ایران، نقش و جایگاه پلیس در حوزه کشف جرائم اقتصادی به عنوان یکی از ارکان واکنش علیه جرائم اقتصادی، مورد بحث قرار گرفته است. در این راستا، پژوهشگران با واکاوی دقیق قوانین، مقررات، اسناد موجود و بررسی نظریه‌های حقوق‌دانان و جرم‌شناسان صاحب‌نظر، داده‌های مربوط را جمع‌آوری و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات موجود پرداخته‌اند.

یافته‌های تحقیق

بررسی ماهیت قانونی پلیس تخصصی در مبارزه با جرائم اقتصادی

ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، نیروی انتظامی را تنها ضابط عام معرفی کرده و سایر دستگاه‌ها مثل نیروی مقاومت بسیج در شرایط خاصی به عنوان ضابط خاص شناخته شده بودند. از ضابط بودن وزارت اطلاعات در این قانون مهم نامی برده نشده و در قوانین و مقررات دیگر مانند ماده ۱۲۴ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، فقط در مفاسد کلان اقتصادی و چند جرم دیگر، وزارت اطلاعات ضابط قوه قضائیه شناخته می‌شد. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، شرایط عنوان ضابط با قانون فوق‌الذکر متفاوت بوده و نیاز به آموزش و دریافت کارت ویژه ضابطان مطرح شده است. در ماده ۲۹ این قانون، نیروی انتظامی ضابط عام و در بند دیگری وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و غیره به عنوان ضابط خاص معرفی شده است. در مجموع، در قوانین جاری کشور و دستورالعمل‌های لازم‌الاجرا مانند «آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری» مصوب سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ توسط روسای سابق و فعلی قوه قضائیه درباره پلیس تخصص محور سکوت اختیار شده و تنها همان عنوان ضابط عام به نیروی انتظامی اطلاق می‌شود. این سکوت قانون‌گذار و آیین‌نامه‌های مربوطه، باعث شده است تفاوتی در طیف ضابطان اعم از تخصصی و غیرتخصصی وجود نداشته و آسیب‌هایی هم به مأموران و هم به روند کشف جرم وارد شود که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

آسیب‌شناسی سیاست جنایی تقنینی در مأموریت‌های پلیسی در مبارزه جرائم اقتصادی

پلیس ایران در طی سالیان گذشته به سمت علمی و تخصصی شدن گام برداشته و این حرکت رو به رشد هر لحظه شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. شناخت آسیب‌ها در این زمینه کمک مؤثری به ارتقای این حوزه می‌کند. آسیب‌شناسی، ساختارهای مختلفی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد که قلمروی تقنینی، ساختاری، اجتماعی و غیره از آن موارد است. با گذشت چهار دهه از تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران، بررسی آسیب‌های نظام قانون‌گذاری آن نشان می‌دهد که از یک سو حجم قوانین به صورت بی‌رویه در حال افزایش است و از سویی دیگر، عدم توجه به مسائلی مانند سلسله مراتب قوانین و وضع ضمانت اجرای مناسب برای قوانین وضع شده، منجر به کاهش کارایی آن شده است (امیری، ۱۳۹۵، ص ۱۱). با توجه به رویکرد این مقاله، صرفاً آسیب‌های مرتبط با سیاست جنایی تقنینی ایران که در عملکرد پلیس تخصصی خصوصاً در کشف جرائم اقتصادی تأثیر دارد، مطرح می‌شود. این موارد با واکاوی دقیق قوانین و مقررات جاری کشور و مقایسه آن‌ها با وضعیت موجود به دست آمده و نگارندگان بر پایه تجارب علمی و قضایی خود به این مشکلات پی برده‌اند. لازم به ذکر است بیان معایب موجب نادیده گرفتن نقاط قوت نیست. عمده‌ترین آسیب‌های موجود را می‌توان در محورهای زیر برشمرد:

- نگرش ناهمسو به پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی بر پایه دادرسی افتراقی: همان‌طور که در بخش‌های قبلی اشاره شد، روند واکنش به جرائم اقتصادی در حال افتراقی شدن است. تعیین قضاوت ویژه، وکلای مورد اعتماد، کوتاه شدن زمان ابلاغ اوراق قضایی و تأکید بر رسیدگی سریع، شواهد عینی بر این موضوع است و در این میان، نگاه به وظایف ضابطان تغییری نکرده است. به این معنا که واگذاری امور به این قشر همچنان به سلیقه مقام قضایی بوده و به تناوب به ناجا، واجا یا سازمان اطلاعات سپاه واگذار می‌شود. ماجرا به اینجا نیز ختم نشده، بلکه ارجاع به پلیس‌های تخصصی نیز با اختیار مقام تحقیق است. این آسیب جدی باعث می‌شود تا اهداف دادرسی افتراقی چه در مرحله جمع‌آوری ادله و چه در مرحله کشف و دستگیری دچار چالش شود و درنهایت، موجبات اطاله دادرسی نیز فراهم شود.

- نبود تکلیف قانونی برای آموزش تخصصی به پلیس‌های تخصصی: آموزش به مأموران انتظامی در زمینه اقدام به عنوان ضابط برابر تبصره یک ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ بر عهده دادستان است. در آیین‌نامه‌های متعدد از این قانون مانند «آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری» مصوب ۱۳۹۸ (مواد ۵ و ۶)، به آموزش ضابطان اختصاص داده شده است. در واکاوی قوانین و مقررات در این حوزه به دقت مشخص می‌شود که صحبتی از آموزش و تربیت ضابطان تخصصی بیان نشده است؛ این در حالی است که در مورد قضاتی که قرار است به جرائم اقتصادی رسیدگی کنند، نیاز به آموزش تخصصی و داشتن مدرک دانشگاهی مرتبط لحاظ شده است. به عنوان مثال، در ماده ۵ «آیین‌نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی» قید شده است: «قضات شعب تخصصی علاوه بر توانایی و تجربه لازم در رسیدگی به موضوع، ترجیحاً دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکترای حقوق یا معادل حوزوی آن در رشته مربوط باشند و آموزش تخصصی لازم را سپری کرده باشند». وجود این خلأ قانونی باعث شده است تا در آموزش قضایی به پلیس و سایر ضابطان تخصصی و غیرتخصصی تفاوت وجود نداشته باشد. نتیجه منفی این موضوع (عدم فراگیری آموزش تخصصی قانونی)، عدم کامیابی و موفقیت کامل در مأموریت‌های پلیس تخصصی است.

- نبود اختیارات ویژه برای پلیس در مواجهه با جرائم اقتصادی: دادن اختیارات خاص به پلیس در حقوق کیفری ایران و سایر کشورها مسبوق به سابقه است. قانون‌گذار ایران در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ به پلیس اذن داده است تا در تمامی جرائم مشهود با وجود شرایط مقرر، فرد متهم را دستگیر کند. در برخی کشورها این اختیارات بسیار گسترده‌تر است؛ به عنوان مثال، در حقوق کیفری انگلستان در ماده ۱۸ قانون پلیس و ادله کیفری مصوب سال ۱۹۸۴، اختیار ورود و بازرسی را برای پلیس در نظر می‌گیرد. این مقررات مربوط به ورود و بازرسی، پس از دستگیری مظنون است که متصرف محل بوده یا مالک آن است؛ چراکه ممکن است ادله دیگری در ارتباط با جرم به دست آید. ماده ۳۲ قانون نیز به پلیس اجازه ورود و بازرسی از هر محلی را به منظور بازرسی و جهت کشف ادله جرم ارتكابی می‌دهد؛ مشروط بر اینکه متهم دور از اداره پلیس دستگیر شده باشد و در زمان دستگیری یا قبل از آن در محل مورد نظر حاضر بوده است (هیئت پژوهشگران کاوندیش، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱).

در حقوق کیفری ایران با مذاقه در قوانین کیفری اقتصادی، تنها قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب سال ۱۳۹۴ با اصلاحات بعدی، به مدت ۲۴ ساعت آن هم در صورت عدم دسترسی به مقامات قضایی، اختیاری در توقیف حساب متهم به ضابطان داده است. این روند قانونی می‌تواند شروعی برای گسترش واگذاری اختیارات قانونی پلیس باشد. در ماده ۵ قانون مذکور اشاره شده است: «اشخاص موضوع این ماده موظفاند حسب دستور مقام قضایی نسبت به مسدود کردن وجوه و توقیف اموال و دارایی‌های افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی و همچنین افراد موضوع قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۸۶/۱۱/۱۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی برابر فهرست اعلام شورای عالی امنیت ملی اقدام کنند. در موارد فوری و ضروری که دسترسی به مقام قضایی ممکن نیست، باید برابر فهرست مذکور اقدام کرده و مراتب را ظرف مدت بیست و چهار ساعت به مراجع قضایی اعلام کنند». مشابه این اختیار در سایر قوانین کشور خصوصاً در قانون آیین دادرسی کیفری وجود نداشته و یک خلأ جدی است. نبود این اختیارات با فرآیند دادرسی افتراقی و کوتاه شدن زمان دادرسی که در مبارزه با جرائم اقتصادی بسیار به آن تأکید شده است، در تقابل است.

از طرفی، نه تنها پلیس در مبارزه با جرائم اقتصادی و سایر موارد، دارای اختیارات ویژه و دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی مالی (مانند بانک مرکزی و غیره) نیست، عدم پاسخگویی به استعلامات پلیسی نیز فاقد ضمانت اجرای قانونی است. این در حالی است که عدم پاسخگویی ضابطان به مقام قضایی در مدت تعیین شده برابر ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، موجب انفصال از خدمت می‌شود. تمامی دستگاه‌های اجرایی نیز موظف هستند تا به موقع به استعلامات قضایی پاسخ دهند که در غیر این صورت، مشمول ضمانت اجرای کیفری منعکس در ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ واقع می‌شوند. نبود این ضمانت اجرای قانونی باعث می‌شود اولاً موجبات دسترسی به مواقع به اطلاعات و افراد زایل شود و در ثانی، مخالف با سیاست‌های افزایش سرعت و دقت در رسیدگی به جرائم اقتصادی است.

– نبود سیاست تقنینی واحد در حمایت از مأموران پلیس در مبارزه با جرائم اقتصادی: از جرائم اقتصادی در قوانین مختلف مانند قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون اصلاح قانون مبارزه با پول‌شویی، قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم نام برده شده است. در تمامی این قوانین برای نیروی

انتظامی جمهوری اسلامی ایران در راستای مبارزه، تکالیف قانونی تعیین شده است. در برخی از این قوانین مانند قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاح آن در سال ۱۳۹۴، موادی را به حمایت از مأموران از بابت اینکه با قاچاق به عنوان یکی از جرائم مهم اقتصادی مبارزه می‌کنند اختصاص داده شده است. به عنوان مثال، ماده ۸ و ۹ این قانون اشعار می‌دارد: «دولت موظف است به منظور حمایت از مأمورانی که به موجب قانون، متکفل امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشند و به تشخیص مراجع قضایی در هنگام انجام وظیفه، ضمن رعایت ضوابط اداری و قانونی مربوط با زیان جانی و مالی نسبت به خود یا دیگران مواجه می‌شوند، ردیفی در قوانین بودجه هر سال برای ستاد پیش‌بینی کند. اعتبار موضوع این ردیف از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنی است. اعتبارات این ردیف توسط دستگاه‌های کاشف به استناد گزارش بدوی و پس از تأیید ستاد هزینه می‌شود» (ماده ۸). «به منظور صیانت از سرمایه‌های انسانی، کلیه دستگاه‌هایی که به موجب این قانون متکفل مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشند، متناسب با حجم فعالیت‌ها براساس دستورالعملی که به تصویب ستاد می‌رسد، اقدامات زیر انجام می‌یابد: الف) آموزش‌های ضمن خدمت به منظور ارتقای دانش کارکنان و صیانت از آن‌ها؛ ب) به کارگیری افراد باتجربه و دارای تخصص لازم برای همکاری با دستگاه‌های مسئول در امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز به صورت موقت و پ) اجرای برنامه‌های رفاهی - فرهنگی به منظور ارتقای سلامت روحی و روانی کارکنان» (ماده ۹).

این سیاست مثبت تقنینی در اکثر قوانین دیگر دنبال نشده است و یک خلأ قانونی آشکار است. چنین اقدامات قانونی هم موجب حفظ سرمایه انسانی شده و از طرفی، موجبات دلگرمی ضابطان در مبارزه با جرائم چالش‌برانگیز مانند جرائم اقتصادی را به همراه دارد.

- **عدم ایجاد انگیزه مادی در قانون برای جذب در پلیس‌های تخصصی:** جذب نخبگان در هر قشری مانند کارکنان قضایی و نیروهای پلیس و استفاده از ظرفیت‌ها و تخصص‌های آن‌ها می‌تواند موجب پویایی و عملکرد بهتر هر مجموعه کاری شود. در این راستا، در آیین‌نامه‌های مختلف شغلی برای کار افراد در امور تخصصی و ویژه، امتیازات شغلی در نظر گرفته می‌شود. در حوزه مبارزه با جرم با توجه به ویژگی‌های جرم و مجرمان اقتصادی، ویژگی‌هایی نیاز است تا افرادی با توانایی‌های خاص در کادر پلیس جذب و استخدام شوند. این روند در دستگاه قضایی کشور در زمینه مبارزه با جرائم

مذکور مسبوق به سابقه است. به عنوان مثال، در ماده ۱۰ «دستورالعمل تشکیل مجتمع تخصصی ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی تهران» آمده است که تمامی قضات دادسرا و دادگاه‌های مجتمع برابر ضوابط آیین‌نامه تعیین گروه‌های شغلی قضات با تصویب کمیسیون نقل و انتقالات و ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب و از مزایای یک گروه شغلی بالاتر موضوع تبصره ۵ ماده ۸ آیین‌نامه مربوط برخوردار می‌شوند. موضوع مطرح‌شده فوق، فارغ از بحث پرداخت حق‌الکشف به مأموران است.

عدم الزام قانونی در ارجاع تحقیقات مقدماتی جرائم اقتصادی به پلیس‌های تخصصی: در کنار پلیس تخصصی مبارزه با جرائم اقتصادی (پلیس امنیت اقتصادی و در برخی استان‌ها، معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی پلیس آگاهی)، قانون‌گذار و آیین‌نامه‌های مربوطه درباره جرائم اقتصادی، از وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه نیز به عنوان ضابط تخصصی در این راستا نام برده است. در این باره می‌توان به قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ اشاره داشت. در تبصره ۳ ماده ۷ این قانون اعلام شده است: «علاوه بر ضابطان عام، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه در جرائم این قانون و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم ضابط دادگستری می‌باشند». اما در این قانون و سایر قوانین و مقررات مشابه، تقسیم کار انجام نشده و به عقیده برخی از پژوهشگران، انتخاب ضابط به سلیقه قضات واگذار شده است.

در واقع، از هنگام مطرح شدن موضوع جرائم کلان اقتصادی در کشور، سازمان‌ها و نهادهای متعددی به همراه قوه قضائیه یا به تنهایی اقدام به تحقیقات در پرونده‌های کیفری این قبیل جرائم کرده‌اند که با توجه به گسترده بودن ابعاد مبارزه با جرائم اقتصادی، اقدامات مقطعی آن‌ها را نمی‌توان مصداق کامل مبارزه با جرائم اقتصادی دانست. از جمله این سازمان‌ها، زیرمجموعه‌های مختلف ناجا اعم از پلیس اطلاعات و امنیت عمومی و پلیس آگاهی هستند که در برهه‌های زمانی مختلف به‌عنوان ضابط دادگستری مبادرت به تحقیقات مقدماتی برخی گونه‌های جرائم اقتصادی کرده‌اند. البته طبق عادت، انتخاب آن‌ها بر مبنای ضابطه خاصی نبوده و سلیقه مقامات قضایی در انتخاب آن‌ها نقش تعیین‌کننده داشته است (زارعی، ۱۳۹۰، ص ۷۳). این خلأ قانونی و عدم تقسیم‌کار باعث می‌شود تا احتمال موازی کاری در تحقیقات اولیه و مقدماتی یا تداخل عملیاتی وجود داشته باشد.

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد تا ساختار سیاست جنایی تقنینی ایران در محیط کاری پلیس پیرامون جرائم اقتصادی به عنوان جدیدترین علم در حوزه جرم‌شناسی و مقابله با بزهکاری به صورت اجمالی مورد بحث قرار گیرد. مرتکبان جرائم اقتصادی در روزگار فعلی، اغلب صاحبان قدرت و ثروت‌های نامشروع هستند که برای انجام کار خود از تمامی متخصصان سوءاستفاده می‌کنند؛ پرونده‌های قضایی اعلام شده از طریق رسانه‌ها شاهد این مدعاست. از این‌رو، می‌توان گفت این مجرمان از زوایا و خلأهای قانونی نیز به‌طور کامل اطلاع دارند. شرایط جرائم مذکور و مرتکبان آن‌ها باعث شده تا روند کشف، تحصیل دلیل و دستگیری افراد فوق‌الذکر با سختی‌هایی همراه شود. در این میان، وجود خلأهای قانونی و آسیب‌های وارده ناشی از آن باعث می‌شود تا روند مبارزه‌کنند یا با مشکلات جدی مواجه شود. نگاه عام و یکسان قانون‌گذار و تدوین‌کنندگان سیاست جنایی تقنینی ایران به تمامی واحدهای پلیسی و نبود جایگاه قانونی برای پلیس‌های تخصص محور، به نظر نگارندگان، مهم‌ترین چالش موجود در حال حاضر باشد.

با عنایت به وجود جریان منسجم در مبارزه با جرائم اقتصادی حول محور دادرسی افتراقی در کشور، توجه ویژه به پلیس‌های تخصصی بسیار مهم جلوه می‌کند. با توجه به پیچیدگی و سازمان‌یافتگی در جرائم اقتصادی و سایر دشواری‌ها در حوزه مبارزه با بزه‌های مذکور، نیاز است تا خلأهای قانونی با تکیه بر اصول کلی حقوقی و پاسداری از ارزش‌های جامعه به سرعت برطرف شود. اقدام برای رفع برخی از این آسیب‌ها با سیاست‌گذاری مناسب و هدفمند در سازمان پلیس انجام و شمار دیگری از آن‌ها نیازمند ارائه پیشنهاد قانونی و پیگیری در معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا است.

در ادامه برخی از الزامات تحقق اهداف تحقیق و رفع چالش‌های موجود در اقدام نیروهای انتظامی در امر مبارزه با جرائم اقتصادی در قالب پیشنهاد ارائه می‌شود.

- تعیین سرفصل‌های آموزشی قانونی برای پلیس تخصصی مبارزه با جرائم اقتصادی در دوره‌های آموزش ضابطان قضایی منعکس در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ از طریق تدوین تفاهم‌نامه با قوه قضائیه در قالب دستورالعمل‌های لازم‌الاجرا؛

- درخواست اختیارات ویژه قانونی برای پلیس در تحصیل دلیل مانند اذن در توقیف حساب‌ها و جلوگیری از خروج افراد از کشور در مدت‌های مشخص بدون نیاز به دستور

قضایی؛

- ایجاد سازوکار حمایتی تقنینی از مأموران پلیس امنیت اقتصادی در راستای جبران خسارت فارغ از پوشش‌های بیمه‌ای؛
- ایجاد انگیزه مادی برای جذب نخبگان در پلیس امنیت اقتصادی با تدوین آیین‌نامه‌های شغلی درون‌سازمانی در ناجا؛
- تدوین فوری یا به‌روزرسانی تفاهم‌نامه‌های چندجانبه با وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و قوه قضائیه درباره تقسیم‌کار و ارجاع پرونده با موضوع مشخص به هرکدام از ضابطان برای پرهیز از موازی‌کاری؛
- پیگیری قانونی طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفساد اقتصادی از طریق معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا به عنوان یکی از ارکان اجرایی و علمی مندرج در طرح.

منابع

- اعظمی مقدم، مجید (پاییز ۱۳۹۱). ضرورت‌های ورود ناجا به مبارزه با جرائم اقتصادی. *فصلنامه کارآگاه*. ۶(۲۰)، صص ۱۰۰-۱۱۹. بازیابی از: http://det.jrl.police.ir/article_10477.html
- امیری، حسینعلی (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی نظام قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران با مطالعه تطبیقی در فرانسه*. تهران: انتشارات میزان. چاپ اول.
- توسلی زاده، توران (۱۳۹۲). *پیشگیری از جرائم اقتصادی*. تهران: نشر جاودانه جنگل. چاپ اول.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰). *سیاست جنایی مشارکتی*. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
- حسینی، رضا و نجفی توانا، علی (زمستان ۱۳۹۳). رویکرد سیاست جنایی تقنینی در قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۰/۱/۱۳۷۳. *فصلنامه کارآگاه*. ۸(۲۹)، صص ۱۳۳-۱۴۷. بازیابی از: http://det.jrl.police.ir/article_10660.html
- حشمتی، ابوالفضل (۱۳۹۳). تحصیل دلیل از طرق نامشروع. *پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت*. ۲(۱)، صص ۶۷-۸۷. بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepag>
- دعاگویان، داود (زمستان ۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی پلیس اقتصادی کشورهای مدل؛ تدوین الگویی برای پلیس اقتصادی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*.

۸(۳۲)، صص ۵۷-۸۲. بازیابی از: http://icra.jrl.police.ir/article_18124.html

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۱). *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه. چاپ بیستم.
- زارعی، علی (تابستان ۱۳۹۰). تأثیر تشکیل پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی بر فرآیند مبارزه با جرائم اقتصادی. *فصلنامه کارآگاه*. ۵(۱۵)، صص ۷۰-۹۱. بازیابی از:

http://det.jrl.police.ir/article_10523.html

- زمانی، علی اکبر (زمستان ۱۳۹۰). بررسی کارکرد هم‌افزایی قوت‌ها و فرصت‌های مدیریت مبارزه جرائم اقتصادی در خنثی‌سازی تهدیدهای مرتبط. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی*. ۶(۴)، صص ۵۲۹-۵۵۲. بازیابی از:

http://pmsq.jrl.police.ir/article_91941.html

- شیدائیان، مهدی و شریفی، عبدالحمید (زمستان ۱۳۹۶). الزامات تساوی سلاح‌ها در رفتار دادستان و متهم؛ با نگاهی به جرائم اقتصادی. *فصلنامه علوم اجتماعی (ویژنه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق)*. ۱۱(۳۹)، صص ۷۷-۹۸. بازیابی از:

http://jss.iau-shoushtar.ac.ir/article_667141.html

- کوشا، جعفر و دهقانی سانچ، محمدرضا (۱۳۹۶). سیاست جنایی در جرائم اقتصادی. *فصلنامه دانش حقوق مالیه*. ۱(۲)، صص ۸۵-۱۰۱. بازیابی از:

http://malieh.dmk.ir/browse.php?a_id

- گلدوست جویباری، رجب و فرهمند فر، حیدر (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی ادله علمی در نظام دادرسی کیفری ایران و انگلستان با تأکید بر جرائم علیه تمامیت جسمانی. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*. ۲۰(۷۷)، صص ۲۰۵-۲۲۸. بازیابی از:

http://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56512.html

- مقیمی، مهدی (تابستان ۱۳۹۶). مطالعه حقوقی - جرم‌شناختی جرائم اقتصادی (با تأکید بر راهکارهای پیشگیری ملی و فراملی). *فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی*.

۱۹(۷۵)، صص ۷۰-۹۲. بازیابی از: http://journals.police.ir/article_11443.html

- ملازمیان، مسعود (۱۳۸۷). *سیاست جنایی تقنینی ایران در جرائم اقتصادی*. تهران: انتشارات جاودانه. چاپ اول.

- مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۵). *سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی*. تهران: نشر میزان. چاپ اول.

- نجفی توانا، علی (۱۳۸۶). تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران. *تحقیقات حقوقی*

آزاد. ۱(۱)، صص ۱۴۵-۱۷۸. بازیابی از: http://alr.iauctb.ac.ir/article_512095.html

- هیئت پژوهشگران کاوندیش (۱۳۹۵). *نظام حقوقی انگلستان* (نسرین مهرا، مترجم). تهران: نشر میزان. چاپ سوم.
- وفادار، حسین و بهرامی، سهراب (بهار ۱۳۹۵). چالش‌های مبارزه با جرائم اقتصادی و راهکارهای پیشنهادی. *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. ۱۱(۴۱)، صص ۱۴۱-۱۶۰. بازیابی از: http://icra.jrl.police.ir/article_18172.html